



عکس منتشر نشده از چهلمین روز درگذشت آیت‌الله طالقانی، ۳۰ مهر ۱۳۵۸ / مرکز اسناد دانشگاه خوارزمی

در باره‌ی کهن‌ترین نهاد آموزش عالی ایران که موزه‌ی آن، چندی دیگر گشایش می‌یابد

خاطره‌ی جمعی معلمان ایرانی

منصور اوجی، حسن انوری، محمود عابدی، عباس ماهیار، منوچهر آشتیانی، پرویز شه‌ریاری، علی اشرف درویشیان، فتح‌الله مجتبابی، رضا سید حسینی، ابوالحسن نجفی، حمید عنایت، غلامعباس توسلی، علی محمد کاردان، امیرحسین آریان‌پور و خیلی‌های دیگر در این بیش از یک سده در آن قلم و قدم زده‌اند که البته زمانی چون فاطمه سیاح و شکوه نوابی‌نژاد در شکوه اکنون اش اثری بی‌بدیل داشتند. و البته باید بر این‌ها استادان خارجی چون گابریل یارنیر را هم علاوه کرد. بنیادی که نخستین کتاب‌خانه و آزمایشگاه و رستوران دانشجویی در آن ساخته شد. اولین دانشگاهی که صاحب نشان‌واره و لباس فرم شد. نهادی که رشته‌هایی چون خانه‌داری، تربیت بدنی، زبان و ادبیات انگلیسی و فرانسه، فلسفه و علوم تربیتی، ابتدا در آن تدریس شده که شاید همین حالا هم جالب توجه باشد. جایی که دارای شعبات استانی در شهرهای اراک، سبزوار، یزد، سندج، جندی شاپور و زاهدان بود و البته مؤسساتی چون مؤسسه‌ی ریاضی و مؤسسه‌ی علوم تربیتی داشت و در انتشارات اش کتاب‌های متعدد به طبع می‌رسید. انجمن‌هایی مانند جامعه لیسانسیه‌ها داشت و مجلاتی چون سپیده فردا و مهرگان هم نشر می‌یافت. به قول مقصود فراستخواه در کتاب «استادان استادان چه کردند؟»، این جا جایی ست که «نخستین لذت‌های پرسش‌گری و دانایی نوین ایرانی به هم‌راه تنش‌های تردیدآمیز فلسفی و شک علمی در فضاهایش تجربه شد و زرمه معرفتی‌پی‌درپی در عمق ذهن و جان استادان و دانشجویان اش طنین انداخت.» و حال در «تجربه»، به سراغ این درخت پربرگ و بار با تمرکز بیش تر بر دانشسرای عالی رفته‌ایم و در لابه‌لای اسناد آن گشتی زده‌ایم تا بدانیم و بخوانیم که دارالمعلمین مرکزی چه مسیری را طی کرده که نقشی فراموش‌ناشدنی در تربیت چند نسل از معلمان ایرانی پدیدآورده است.

و البته باید لطف بی‌دریغ «افسانه کامران» را برای در اختیار نهادن اسناد و عکس‌های منتشر نشده را سپاس گوئیم که در سه سال اخیر، راه اندازی موزه‌ی دانشگاه را عهده‌دار شد و اسناد و اسباب‌کهن سال دانشگاه را از زیر آوار تاریخ به بدر آورد و به سامان رساند تا حالا، که چند قدم بیش تر تا گشایش اش نمانده است. بی‌شک تاریخ تعلیم و تربیت در ایران، این زنده‌کردن آن پیشینه‌ی سترگ را مدیون و مروهون او و همکاران اش است.



حمیدرضا محمّدی
دبیر بخش مطالعات ایرانی

جلال به من گفت دوشنبه‌ها به دانشسرای عالی می‌روم و تو هم بیا آن جا تا بینمات. پشت در نیمه‌باز یکی از کلاس‌ها، مردی قدبلند و لاغر اندام با موهای جوگندمی را دیدم. قبلاً عکس اش را دیده بودم و همان لحظه از بیرون کلاس دیدم که صاحب آن صدا خود جلال است. یادم می‌آید که او سر کلاس داشت به دانشجویان می‌گفت: «من از دیکته خوش‌ام نمی‌آید، چون دیکتاتور از دیکته می‌آید.» کلاس اش که تمام شد، به اتاق استادان رفت.

خاطره‌ی غلامرضا امامی از جلال آل‌احمد در دانشسرای عالی

بعضی جاها، بعضی مکان‌ها، مکان و منزلت‌شان، نه به جای و جایگاه‌شان، که به آدم‌هایش است. آدم‌ها هستند که آن جا را ساخته‌اند و رفعت اش بخشیده‌اند. آدم‌هایی که خشت آن جا را با گل وجود خویش شکل داده‌اند و اکسیر آنان بوده که بر مس آن ساختمان‌ها افتاده و مظلایش کرده است. آنان بوده‌اند که دارالمعلمین مرکزی، دارالمعلمین عالی، دانشسرای عالی، سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی، دانشگاه تربیت معلم و دانشگاه خوارزمی را از دیروز به امروز پیوند داده‌اند و روزگاری به قدر و قد یک صد و چهار سال را پدید آورده‌اند. این نخستین نهاد آموزش عالی ایران که از اساس بنیان گذاشته شد تا «معلم» تربیت کند خیلی‌ها را به خود دیده و از کسان بسیار اعتبار و اعتنا یافته است؛ از استادان اش که عباس آشتیانی، حمد حسین فاضل تونی، عبدالعظیم قریب، علی اکبر سیاسی، عیسی صدیق، بدیع الزمان فروزانفر، صادق رضازاده شفق، غلامحسین مصاحب، جعفر شعار، محمود هومن، محمود صناعی، غلامحسین صدیقی، علی نقی وزیری، غلامحسین شکوهی، محمدباقر هوشیار و یحیی ماهیار نوابی تا شاگردان اش که محمدابراهیم باستانی پاریزی، محمد معین، احمد بیرشک، سلیم نیساری، محمدعلی رجایی، محمدرضا شجریان، صمد موحد،